

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

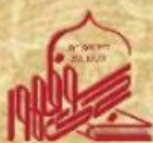
عنوان:

ریاضات شاقه

سخنران:

دکتر وحید باقر پور کاشانی

آلاء الحسنیہ، جیل ولولہ لیکچر اے اے سرج



@MAHDISM_12



@seratehaghi

مثلاً بینین ریاضت‌هایی که متصوفه به بدن خودشون وارد می‌کنن این‌ها به شدت به سیستم مزاجی انسان به مغز انسان آسیب می‌رسونه من چند نمونه ذکر بکنم مثلاً در تذکرة الاولیاء شیخ عطار در جلد اول صفحه ۲۳۵ در خصوص ریاضت‌ها و حالات شبلی مطالبی را ذکر می‌کنه از جمله می‌گه که نقل است که شبلی یک از بزرگان متصوفه، سردابه‌ای داشتی که در آنجا همی شدی، یک سردابی داشته می‌رفت اونجا و آغوشی چوب با خود بردی و هر گاه غفلتی به دل او درآمدی خویشتن بدان چوب همی زدی! هر وقت خدا غافل می‌شد با چوب خودش و می‌زد و گاه بودی که همه‌ی چوب‌هایی بشکستی دست‌وپای خود بر دیوار همی زدی! با چوب‌ها می‌زد چوب‌ها خورد می‌شد باز که غفلت می‌شد دست‌وپا شو به دیوار می‌زد که آسیب ببینه که از غفلت...

خب ببین اینا آسیب می‌رسونه به بدن این‌ها سیستم این ریاضت‌هایی که ایشون مثلاً می‌کشیده خب بله این‌ها فشارهایی میاره بر بدن و چنین حوادثی ممکن بر این افراد اتفاق بی‌افته. یا مثلاً در کتاب اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید ابوالخیر خب شخصیت مهم متصوفه هست و شاعر در صفحه‌ی ۲۲ آورده که در حالات ایشان آوردند که در جوانی شب‌ها پس از آن که اهل خدا به خواب می‌رفتند، آهسته برخاسته به مسجد می‌آمد در گوشه‌ی مسجد چاه آبی بود طنابی را به وسط چوبی بسته و سر دیگر طناب را به پای خود می‌بست یه طنابی بود یک چوب هیزمی بود وسطش می‌بست اون ور طناب را به پای خودشون می‌بست و سپس چوب را به درون دهانه‌ی چاه گذاشته این چوب بلند بود این دهانه‌ی چاه بود این هیزوم این طرفو اون طرف قرار می‌گیره و طنابم بود اونم به پاش بود و خود را وسط چاه تا نزدیک طلوع صبح معلق می‌ساخت! یعنی این چوب که بود این بنده‌ی خدا ریاضت می‌کشیده پاهاش که وصل بوده سرش به سمت چاه بوده این در وسط تا نزدیک طلوع صبح یعنی از صبح تا نزدیک طلوع صبح این واژگون بود معلق بود و قرآن می‌خواند آخر شب از چاه بیرون آمده و آهسته به خانه برمی‌گشت تا پدر و مادرش نفهمند.

آخر شب از چاه بیرون می‌آمده و آهسته به خانه برمی‌گشت این‌جا آورده
شاید برعکس این‌جا گفته چی؟ گفته که: در کتاب اسرارالتوحید گفته
که و خود را در وسط چاه تا نزدیک طلوع صبح معلق می‌ساخت و قرآن
می‌خواند حالا این‌جا معلق! آخر شب از چاه بیرون آمده و آهسته به خانه
می‌گشت شاید در دو حالت بود گاهی وقتا شب می‌رفته تا صبح بوده گاهی
وقتا روز می‌رفته تا آخر شب بود در حال می‌خواد بگه که يك مدتی ایشون
بله ایشون واژگون بود خب چنین ریاضت بعد شما نگاه کن مثلاً ساعت‌ها
آدم واژگون باشه بعد قرآن و الان کشفی، تلقینی بالاخره يك چیزی می‌بینی
تو اون تاریکی دیگه! فشار میاد دیگه بالاخره به آدم این یه نمونه. خب
بینین می‌خوام بگم نمونه‌ها یا در ارتباط با همین جناب ابوبکر شبلی
که ایشون خب در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری می‌زیستن
این‌طوری آوردن که در کتاب تذکرة الاولیاء جلد دوم صفحه‌ی ۱۶۴ می‌گن
به اول که مجاهده به دست گرفت سال‌های دراز شب نمك در چشم
کشیدی تا در خواب نشود و گویند که هفت من نمك در چشم کرده بود!
این به‌خاطر این‌که ریاضت بکشه به خواب نره هفت من نمك هی می‌کرده
تو چشم‌ها می‌سوخته که نتونه بخوابه! خب این چنین آسیب‌هایی کجای دین
به شما گفته که چنین کارو بکنید کدوم يك از ائمه‌ی ما چنین کاری رو
می‌کردن و جواز این کار رو دادن؟ خب این‌ها فشاراتی میاد به قوه‌ی مغزی
انسان به در ارتباط با مزاج انسان.

ریا باز در همین تذکرة الاولیاء جلد دوم صفحه‌ی ۳۲۹ درمورد شیخ ابوسعید ابوالخیر آورده که خطاب به مریدی زیر درخت بیدی گفت: ای جوانمرد این درخت که تو می‌بینی هشتاد ختم قرآن سر نگون ساز یعنی پاهایم از این درخت در آویخته! یعنی هشتاد دور قرآن خوندم خودمو آویزون کردم به این درخت! هشتاد دور قرآن و خوندم، هشتاد ختم قرآن کردم! این‌ها فشار میاد به قوه‌ی مغزی انسان. یا مثلاً می‌خوام بگم نمونه‌هایی که از این صوفیای مطرح و دارم من مطرح می‌کنم این‌ها که فراوان این ریاضت‌ها در کتاب تذکرة الاولیاء بسیار از این موارد رو ذکر کرده در کتاب اسرارالتوحید صفحه‌ی ۲۷ در حالات جناب ابوسعید آورده که هفت سال در بیابان در نزدیکی سرخس به مجاهدت و ریاضت مشغول بود و معروف است که در این هفت سال خار بیابان و امثال اون می‌خورد! هفت سال خار بیابان يك نفر بخوره! ببینید این‌ها چیزیه که موافقین آوردن خودشون گزارش کردن در آثار خودشون.

بعد حالا ببینید این‌ها خب فشاراتی میاره برای انسان فشاراتی میاره و چه بسا بسیاری از این‌ها این فشار ریاضت‌های که به نظر من غیر شرعی هست باعث می‌شه که فکر می‌کنه که کشفی داره صورت می‌گیره، کشفی نیست این فشار به قوه‌ی عصبی انسان، به نفس انسان، به بدن انسان.